

بررسی میزان تفکر استراتژیک مدیران گروه‌های آموزشی دانشگاه‌های آزاد

اسلامی منطقه ۱۰

مرجان کاظمی^۱، محمد جوادی پور^۲، رضا نوروززاده^۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی میزان برخورداری تفکر استراتژیک مدیران گروه‌های آموزشی دانشگاه‌های آزاد اسلامی منطقه ۱۰ انجام شده است. جامعه آماری این تحقیق ۱۲۸ نفر بود و حجم نمونه بر اساس جدول مورگان و جرسی ۹۶ نفر برآورد گردید و نمونه با استفاده از روش تصادفی ساده انتخاب شد. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. ضریب پایایی پرسشنامه بر اساس آلفای کرونباخ ۰/۹۵ بدست آمد. داده‌های تحقیق بر اساس آزمون t و F مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان داد که دانش و اطلاعات برنامه‌ریزی استراتژیک مدیران گروه‌های آموزشی دانشگاه‌های آزاد اسلامی منطقه ۱۰ در حد بسیار بالایی است. افزون بر این تحقیق نشان داد که بین میزان برخورداری از دانش و آگاهی برنامه‌ریزی استراتژیک مدیران گروه‌های آموزشی منطقه ۱۰ بر اساس مدرک تحصیلی و تفکیک دانشکده‌ها تفاوت معناداری وجود دارد. ولی بین میزان دانش و آگاهی برنامه‌ریزی استراتژیک مدیران گروه‌های آموزشی بر اساس مرتبه علمی و جنسیت تفاوت معناداری وجود ندارد.

کلیدواژه‌ها: تفکر استراتژیک، مدیران گروه‌های آموزشی، اعضای هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، برنامه‌ریزی استراتژیک.

دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۶/۱۲

پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۹/۱

۱- کارشناس ارشد مدیریت آموزشی

۲- عضو هیئت علمی پژوهشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی وزارت علوم تحقیقات و فناوری

۳- استادیار پژوهشی موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی

مقدمه

باتوجه به مقولاتی از جمله بحران در منابع مالی، افزایش دانش آموختگان بیکار و افزایش تقاضاهای اجتماعی و حتی مشکلات تصمیم گیری در قراردادهای بزرگ باید به این نکته اشاره کرد که با تغییرات جزئی نمی توان در نظام آموزشی و حتی جاهای دیگر تحول ایجاد کرد، همچنین با توجه به آینده نظام های اجتماعی و اقتصادی و نقش و مسئولیت نظام آموزشی در پاسخگویی به نیازهای جامعه ضرورت برنامه ریزی استراتژیک در نظام آموزشی و شناخت و تسلط مدیران آموزشی نسبت به برنامه ریزی استراتژیک، امری ضروری و اجتناب ناپذیر است (کافمن و هرمن، ۱، ۱۳۸۵، ص ۹).

یکی از برجسته ترین ویژگی های کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، توجه به دانش مدیریت به عنوان یکی از عوامل مهم در توسعه و رشد اقتصادی و اجتماعی می باشد. در این میان آنچه به عنوان اصلی ترین کارکرد مدیریت هر کشور مورد بحث است، همانا برنامه ریزی و تلاش برای نیل به اهداف پیش بینی شده در آن است. البته باید خاطر نشان ساخت دیگر کارکردهای علم مدیریت نظیر سازماندهی نیروی انسانی و مدیریت منابع انسانی^۲ مکمل امر برنامه ریزی است. رخدادهای چند دهه گذشته همراه با نیازهای جدید حادث در این سالها، از چنان خصوصیتی برخوردارند که با صرف تکیه بر برنامه ریزی متداول و غیر منعطف نمی توان با این رخدادهای نیازها مقابله کرد از آن رو از سه دهه قبل توجه مدیران و صاحب نظران به سمت برنامه ریزی بلند مدت و به ویژه برنامه ریزی استراتژیک جلب شده است که آن عبارت است از مجموعه ای از مفاهیم، روش های کار و ابزار که برای کمک کردن به مدیران و رهبران جهت انجام وظایف طراحی شده اند. در واقع برنامه ریزی استراتژیک را می توان اقدامی سازمان یافته برای اتخاذ تصمیم ها و انجام دادن اقدامات بنیادی تعریف کرد. اهمیت این نوع برنامه ریزی از توانایی آن در کمک به سازمان ها برای ارائه عکس العمل موثر نسبت به اوضاع تغییر یافته ای که پیرامون آن ها را احاطه کرده است ناشی می شود (همان، ص ۲۴).

بحران های ناشی از تحولات سیاسی جهان در سال های اخیر منجر به کاهش منابع مالی برای نظام های آموزش و نیز محدودیت اشتغال برای دانش آموختگان آن شده است. کشورهای جهان

^۱ Kafman & Herman

^۲ Human Resources Management

سوم در مواجهه این تحولات با مسایل گوناگون و بیشتری روبرو هستند. افزایش جمعیت در کشورهای در حال توسعه باعث افزایش تقاضا برای آموزش در سال‌های اخیر گردیده است. به طور مثال در کشور ایران نرخ رشد دانش آموختگان در مدت ده سال (۱۳۷۰-۱۳۶۰) بیش از ۷۰٪ بوده و تعداد دانشجویان آموزش عالی نیز در این مدت به بیش از ۶ برابر افزایش یافته است اما به علت عدم آشنایی مدیران نسبت به برنامه‌ریزی استراتژیک به منظور استفاده از آن در سازمان‌ها، سرعت رشد عوامل آموزش نظیر کلاس درس و تجهیز آن‌ها، تربیت معلم و تدوین برنامه‌های درسی متناسب با رشد تقاضا نبوده است (همان، ص ۱۰).

یکی دیگر از مسایل موجود در مواجهه با تغییرات اقتصادی جهان، دشواری در تامین هزینه‌های آموزشی در کشورهای در حال توسعه^۱ است به عنوان مثال نتایج تحقیقی که تحت عنوان تحول شاخص‌های مالی آموزش و پرورش ایران انجام شده نشان می‌دهد که هزینه نظام آموزشی نسبت به کل هزینه‌های دولت در ایران در فاصله سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۷۰ از ۱۰/۸٪ به ۲۲/۱٪ افزایش یافته است اما هزینه سرانه آموزش به قیمت ثابت کاهش یافته است. همچنین نسبت هزینه‌های نظام آموزشی کشور به تولید ناخالص ملی که در سال ۱۳۵۰ برابر ۴/۲٪ بوده، در سال ۱۳۶۰ به ۵/۵٪ افزایش یافته است ولی این نسبت در سال ۱۳۷۰ به ۳/۹٪ کاهش یافته است (عسگری و محسنی‌نیا، ۱۳۷۳).

رشد سریع آموزش عالی باعث افزایش سطح سواد جمعیت فعال و نه افزایش سطح اقتصادی گردیده است بنابراین مدیران و برنامه‌ریزان آموزشی در این باره با مسایلی از قبیل بیکاری دانش آموختگان، تورم مدارک تحصیلی و کاهش مزایای آن‌ها، نیازهای آموزشی بخش غیر متشکل اقتصادی و تغییرات سریع تکنولوژی و رویارویی با تکنولوژی دانش مواجهه اند که برای پیش بینی، پیش‌گیری و چاره‌جویی این مسایل نیاز به آشنایی مدیران و برنامه‌ریزان آموزش با ادبیات برنامه‌ریزی استراتژیک بیش از پیش احساس می‌گردد. در فرایند برنامه‌ریزی آموزشی توسعه جنبه‌های کمی و کیفی نظام آموزشی باید به موازات یکدیگر مورد نظر قرار گیرند. در حالیکه در برنامه‌ریزی آموزشی امروزه مدیران ما معمولاً هدف‌های کیفی تحت الشعاع هدف‌های کمی قرار گرفته و برنامه‌ریزان و مدیران بیشتر به انتخاب گزینه‌ها و احتمال عملی بودن و به اجرا درآوردن

^۱ Developing countries

آن‌ها توجه می‌کنند که این مسئله نیز مبین عدم آگاهی نسبت به برنامه‌ریزی استراتژیک در بین مدیران آموزشی است (کافمن و هرمن، ۱۳۸۵، ص ۱۲).

با توجه به آنچه گفته شد دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی نیز از این امر مثنی نیستند. بر همین اساس دانشگاه‌های آزاد اسلامی منطقه ۱۰ که شامل ۱۰ واحد دانشگاهی (دامغان، سمنان، شاهرود، گرمسار، آزاد شهر، بندرگز، علی آباد کتول، گرگان، گنبد، مینودشت) و در برگیرنده ۱۲۸ گروه آموزشی می‌باشد، در سال ۱۳۸۸ برنامه مداری و شورا محوری را به عنوان مهم ترین استراتژی خود تعیین کرد و در صدد است که با برنامه‌ریزی دقیق راهبردی و عملیاتی، استراتژی تحقق اهداف خود را جامه عمل بپوشاند (شورای مشترک روسای واحدها و معاونین آموزشی منطقه ۱۰، ۱۳۸۸).

از آنجا که داشتن تفکر استراتژیک پیامدی موثر و مستقیم در سیاستگذاری و برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه دارد و از طرفی از ارکان مهم و موثر دانشگاه می‌باشد، بنابراین در صورتیکه مدیران گروه‌های آموزشی از تفکر استراتژیک برخوردار باشند، در تحقق اهداف و ارتقای عملکرد دانشگاه نقش موثر و سازنده خواهند داشت. بر همین اساس این مقاله در صدد بررسی میزان تفکر استراتژیک مدیران گروه‌های آموزشی دانشگاه‌های آزاد اسلامی منطقه ۱۰ می‌باشد. با توجه به بررسی‌های به عمل آمده از کتابخانه‌ها و بانک‌های اطلاعاتی، به برخی از تحقیقاتی که با زمینه موضوع تحقیق ارتباط دارد، اشاره می‌شود:

سمیعی نصر (۱۳۸۷) در مقاله‌ای پژوهشی تحت عنوان تفکر استراتژیک و بهره‌برداری از فرصت‌ها تبیین کرده است که تفکر استراتژیک یک «بصیرت و فهم از وضعیت موجود و بهره‌برداری از فرصت‌ها» است. ایشان معتقد است که این بصیرت کمک می‌کند تا واقعیت‌های بازار و قواعد آن به درستی و به موقع شناخته شود؛ و برای پاسخگویی به این شرایط راهکارهای بدیع و ارزش آفرینی خلق شود. تفکر استراتژیک مدیر را قادر می‌سازد تا بفهمد چه عواملی در دستیابی به اهداف مورد نظر موثر است و چگونه این عوامل موثر برای مشتری ارزش می‌آفریند؟ این تفکر از طریق فهم صحیح قواعد بازار و پاسخگویی خلاقانه به آن صورت می‌پذیرد که در محیط ناپایدار و متحول کسب و کار امروز بسیار حائز اهمیت است. زیرا بدون این تفکر، تلاش‌های سازمان برای دستیابی به استراتژی‌های تدوین شده اثربخش نخواهد بود.

مشهدی کردی (۱۳۸۷) در مقاله ای پژوهشی تحت عنوان تفکر استراتژیک زمینه ساز نوآوری اشاره می کند که میزان آگاهی مدیران از برنامه ریزی استراتژیک در دو سطح فردی و سازمانی با جامعیت و دور اندیشی خاصی که ایجاد می کند از یک سو باعث درک بهتر کارکنان از سازمان، محیط فعالیت و منجر به خلاقیت های مکرر آنان می شود و از سوی دیگر زمینه ارتباطات و تعامل بیشتر بین مدیران و کارکنان را فراهم آورده و باعث بهره برداری از نبوغ و خلاقیت کارکنان در سازمان می گردد.

عبدالکریمی (۱۳۸۷) در مقاله ای تحت عنوان مدیریت دانش- فن آوری- خلاقیت و نقش آن ها در بهبود کارایی، نیاز فن آوری های شگرف را مهم جلوه داده و همچنین مدیران را به انجام پیشرفت های مداوم در کلیه ابعاد کسب و کار فرا می خواند و تاکید می کند که رسیدن به این اهداف مستلزم مدیریتی واقع گرا و غیر احساسی و در عین حال روشنفکر است و در بخش پایانی مقاله نتیجه می گیرد که در مواقعی که پای نوآوری در میان است وجود یک برنامه ریزی استراتژیک به همراه مدیریت فعال که دارای تفکر استراتژیک می باشد، مطرح می باشد.

نصیری واحد (۱۳۸۶) در تحقیقی با عنوان ارتباط استراتژیک موثر بر نوآوری سازمانی در شرکت تولیدی ترانسفورماتور انجام داده است و به این نتیجه دست یافت که در این سازمان نوآوری سازمانی و ارتباط استراتژیک در حد کمتر از متوسط وجود دارد، لذا ضروری است که توجه ویژه به آن ها شود و در تصمیم گیری ها مد نظر قرار گیرد.

واعظی (۱۳۸۶) در تحقیقی تحت عنوان انتخاب آمیخته راهکارهای مناسب و استراتژی ها در بقا و توسعه دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان با استفاده از تکنیک AHP به این نتیجه دست یافت که استراتژی نخبه پروری علمی مبتنی بر فن آوری اطلاعات برترین استراتژی برای بقا و توسعه دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان بود. بر اساس نتایج تحقیق آمیخته ای از هشت راهکار اصلی برای تحقق استراتژی مذکور شناسایی و انتخاب شد.

احمدی (۱۳۸۵) در مقاله ای پژوهشی تحت عنوان پیاده سازی تفکر استراتژیک در مدیریت زنجیره تأمین تبیین می کند که با ایجاد یک روند جدید در ساختار اقتصادی جهان، و با تکیه بر مفاهیم برنامه ریزی استراتژیک و تفکر استراتژیک و مقایسه آن ها باهم و همسوسازی آن ها جهت

ایجاد یک ابزار رقابتی قدرتمند، تفکر استراتژیک در مقوله مدیریت زنجیره تامین باید مورد توجه جدی قرار گیرد.

قهرمانی (۱۳۸۴) در تحقیقی تحت عنوان تدوین الگوی مدیریت استراتژیک آموزش عالی ایران بیان نمود که ادبیات آموزش عالی نشانگر ضرورت روز افزون وجود نگرش جامع و بلند مدت در برنامه ریزی و مدیریت دانشگاهی و مراکز آموزش عالی است. بر همین اساس است که در سال های اخیر علاوه بر توسعه دوره ها و رشته های تحصیلات تکمیلی در حوزه های مختلف برنامه ریزی و مدیریت توسعه آموزش عالی در اکثر دانشگاه های معتبر جهان، سمینارها و نشست های تخصصی در زمینه ارزیابی جهانی، منطقه ای و محلی از سوی یونسکو و دانشگاه های معتبر بین المللی برگزار شده است. وی اشاره کرد علیرغم اهمیت و ضرورت مذکور تاکنون الگوی جامع مدیریت استراتژیک در آموزش عالی ایران ارائه نشده است. بر همین اساس ضرورت بوده است که تدوین و ارائه الگوی مناسب مدیریت استراتژیک آموزش عالی ایران مورد مطالعه و پژوهش قرار گیرد. در این تحقیق مجموعاً ۵ سؤال پژوهشی مطرح شده است برای پاسخگویی به سئوالات مذکور علاوه بر مراجعه و مطالعه منابع علمی و پژوهشی، نظرات ۲۲۰ نفر از اعضای هیئت علمی، مدیران، متخصصان و ذینفعان آموزش عالی کشور نیز جمع آوری شده است. برای جمع آوری نظرات نمونه های تحقیق از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. همچنین در این پژوهش، الگوی مدیریت استراتژیک آموزش عالی ارائه شده است و برنامه ریزی استراتژیک با ۶ مولفه فرعی مورد تاکید قرار گرفته است.

عابدینی (۱۳۸۲) پژوهشی تحت عنوان آگاهی و نگرش مدیران دانشگاه علوم پزشکی ایران نسبت به تدوین و کاربرد برنامه استراتژیک انجام داده است. این پژوهش به روش مقطعی بر روی کل جامعه آماری شامل ۷۸ نفر مدیر ارشد و میانی دانشگاه علوم پزشکی ایران صورت پذیرفت. از بین آنان ۶۰ نفر حاضر به همکاری در این تحقیق شدند. ابزار اندازه گیری آگاهی و نگرش پرسشنامه بوده است. داده ها پس از جمع آوری با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان داد که میزان آگاهی مدیران مورد مطالعه از نحوه تدوین برنامه استراتژیک با میانگین نمرات ۵/۸ از حداکثر امتیاز ۱۰ نسبتاً قابل قبول بود و نگرش آن ها به تدوین و کاربرد برنامه استراتژیک با میانگین نمرات ۸/۲۷ از حداکثر امتیاز ۱۰ مطلوب بود. به عبارت

دیگر نتیجه گرفت که در حال حاضر زمینه برای بکارگیری برنامه ریزی استراتژیک در دانشگاه علوم پزشکی ایران و واحدهای تابعه آن در حد بالایی فراهم نمی باشد. اما در صورتیکه عوامل بازدارنده بکارگیری برنامه استراتژیک همچون حاکمیت نظام متمرکز در مدیریت بهداشت و درمان کشور حذف و عوامل پیشبرنده آن مانند سیستم اطلاعات مدیریت و آموزش مدیران تقویت گردد احتمال موفقیت بکارگیری این نوع برنامه ریزی در دانشگاه علوم پزشکی ایران و واحدهای تابعه آن افزایش چشم گیری خواهد یافت.

عباس پور (۱۳۸۱) در پژوهشی با عنوان مقایسه کارکردهای مدیریت منابع انسانی دانشگاه تهران با آخرین کارکردهای مدیریت استراتژیک منابع انسانی و طراحی و تبیین مدل فرایند بهینه به این نتیجه دست یافت که دانشگاه باید سرمایه گذاری اصلی خود را بر روی قوت های درونی و کاهش مخاطرات و تهدیدات محیطی متمرکز سازد و با الویت قائل شدن برای پیاده سازی استراتژی تحلیل گر (استراتژی ST) زمینه های لازم برای ایجاد تحول و بهبود سازمانی در نظام مدیریت منابع انسانی دانشگاه را به عنوان دانشگاه مادر و نماد نظام آموزش عالی و بر پایه رسالت، اهداف و استراتژی های اصلی آن مهیا نماید.

جفری^۱ و همکارانش (۲۰۰۷) در مقاله ای تحت عنوان تفکر استراتژیک و مدیریت دانش در سازمان های واقع در کشور آمریکا، تعدادی از عناصر کلیدی را معرفی می کنند. آن ها تاکید می کنند که تجزیه و تحلیل بیشتر، موقعیت هایی که می توانند قابلیت تفکر استراتژیک در افراد را بالا ببرند، معلوم می سازد و سازمان ها می توانند از این موقعیت ها برای توسعه مدیران و بهبود شغل هایشان استفاده کنند. این مقاله به طور خلاصه در مورد روابط بین تفکر استراتژیک، برنامه ریزی استراتژیک و استراتژی ابتکاری بحث می کند و پیشنهاد می کند که تفکر استراتژیک موثر و مناسب می تواند به طور موثر به تغییرات محیط تجاری امروز پاسخ دهد. همچنین مدیریت دانش را به عنوان یک عامل مهم در افزایش و بهبود تفکر استراتژیک از طریق بالا بردن تجربه و بصیرت نسبت به واحدهای سازمان و نقاط تصمیم گیری، می داند.

وارنینگ^۲ (۲۰۰۷) در مقاله ای پژوهشی با عنوان تفاوت های اجرایی در آموزش رده بالا در دانشگاه های کشور آلمان و تجزیه و تحلیل علمی از گروه های استراتژیک، نتیجه می گیرد که

¹ Jeffrey

² Warning

تفاوت در اعمال استراتژیک در دانشگاه‌ها باعث موقعیت‌های متفاوت در بخش آموزشی برای آن‌ها شده است. در حالیکه دنبال نمودن استراتژی‌های مشابه، موقعیت‌های مشابهی ایجاد نموده که تاثیر گذار بر ساختار و عملکرد درون سیستم بوده است. با استفاده از اطلاعات در مورد ۷۳ دانشگاه عمومی در آلمان به این نتیجه دست می‌یابد که وجود گروه‌های استراتژیک که پایه گذار مسایل اجرایی هستند الزامی بوده و متغیرهای معمول استراتژی و نحوه اجرای آن‌ها در بهینه نمودن گروه‌ها مورد توجه می‌باشد.

پارکر^۱ (۲۰۰۶) در مقاله ای تحت عنوان تحلیلی استراتژیک و بحثی منتقدانه از تغییر مدیریت دانشگاهی در کشور استرالیا بیان می‌کند که دانشگاه‌ها دستخوش تغییرات بزرگی در حیطه و زمینه فعالیت‌ها، ساختارها از اواخر قرن بیستم شدند و بطور منتقدانه ای به بررسی و آزمایش برخی از ابعاد این تغییرات و بازتاب آن‌ها در خصوص اداره دانشگاه و انجام کارهای آکادمیک می‌پردازد. و در آخر تاکید می‌کند که این تحقیق تجربه ای تحلیلی و انتقادی از تغییرات بزرگ در عملکردهای دانشگاه را به اطلاع رسانده و یک آشفته‌گی محیطی را بطور مستقیم که برخوردی بر روی نمونه اصل طرح دانشگاه که شامل بر هدایت و گرداندگی پاسخگویی و توضیح پذیری، ارتباطات و تصمیم گیری می‌باشد را آشکار می‌سازد. او بکارگیری استراتژی جزئی و کاربردی مدیریت و تغییر مسیر بنیادی و فرایند وار برای پایه گذاری و توسعه پلی بین ساختار مدیریتی و دوباره قدرت بخشیدن به مسایل آکادمیک و دانشگاهی را پیشنهاد نموده است.

مارتینسنز^۲ و همکارانش (۲۰۰۵) در مقاله ای پژوهشی تحت عنوان یک پایه و بنیاد برای مدیریت استراتژیک از سیستم‌های اطلاعاتی، به سیستم‌های اطلاعاتی اشاره کرده و وجود کارت موازنه امتیازات (BSC)^۳ را به عنوان یک وسیله جهت حمایت از تصمیمات در مدیریت استراتژیک الزامی می‌دانند. همچنین این تحقیق نتیجه می‌گیرد که یک سیستم اطلاعاتی توازن یافته می‌تواند یک پایه اصلی برای سیستم مدیریت استراتژیک باشد البته به شرطی که اولاً راهنمایی‌های مشخص و دقیق مورد توجه قرار گیرد و ثانیاً استانداردهای مناسب شناخته شود و در آخر بتوان بر مشکلات و موانع کلیدی در مسائل اجرایی، فائق آمد.

¹ parker

² Martinsons

³ Blanced Score card

آلتن^۱ و همکارانش (۲۰۰۴) در تحقیقی با عنوان نگرش‌های برنامه‌ریزی استراتژیک پاسخگویی برای دانشگاه‌های پژوهشی در رویارویی با آن است، بیان می‌نماید که جهت ارتقاء و بهبود درک و فهم از مسئله مواجه شدن دانشگاه‌ها در امر پژوهشی و پاسخ دادن به اینکه چگونه باید مدیریت کرد، از یافته‌هایی که از طریق مصاحبه با مدیریت‌های اجرایی ۹ دانشگاه پژوهشی صورت گرفته است، برداشت‌هایی شده است و تفسیرهای واقع‌گرایانه‌ای برای به ثمر رساندن طرح‌ها و نایل آمدن به اهداف والای تعلیم و تربیت انجام گرفته است که همگی گویای وجود یک برنامه‌ریزی استراتژیکی می‌باشد که جهت رسیدن به این اهداف والا، از برنامه‌ریزی استراتژیک به عنوان طرحی که مرکز توجه دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی است، یاد شده است.

در تحقیقاتی که به آن‌ها اشاره شد ابعاد برنامه‌ریزی استراتژیک در سازمان‌ها و نهادهای مختلف مورد بررسی قرار گرفت. نتایج همه تحقیقات فوق بر اهمیت تفکر و برنامه‌ریزی استراتژیک تاکید دارند. هدف اصلی پژوهش حاضر با توجه به جایگاه مدیران گروه‌های آموزشی، پاسخگو به این سؤال اساسی است که به چه میزان مدیران گروه‌های آموزشی دانشگاه‌های آزاد اسلامی منطقه ۱۰ از تفکر استراتژیک برخوردارند. به عبارت دیگر این مقاله در صدد پاسخگویی به سوال‌های پژوهشی زیر می‌باشد:

سوال اصلی

به چه میزان مدیران گروه‌های آموزشی دانشگاه‌های آزاد اسلامی منطقه ۱۰ از دانش و اطلاعات برنامه‌ریزی استراتژیک برخوردارند؟

سوال‌های ویژه

- ۱- آیا بین میزان برخورداری از برنامه‌ریزی استراتژیک و مرتبه علمی مدیران گروه‌های آموزشی (مربیان و استادیاران) دانشگاه‌های آزاد اسلامی منطقه ۱۰ تفاوت معناداری وجود دارد؟
- ۲- آیا بین میزان دانش^۲ و آگاهی از برنامه‌ریزی استراتژیکی مدیران گروه‌های آموزشی دانشگاه‌های آزاد اسلامی منطقه ۱۰ به تفکیک دانشکده‌ها (علوم انسانی، علوم پایه فنی و مهندسی و کشاورزی) تفاوت معناداری وجود دارد؟

¹ Alton

² knowledge

۳- آیا بین میزان دانش و آگاهی برنامه‌ریزی استراتژیک مدیران گروه‌های آموزشی دانشگاه‌های آزاد اسلامی منطقه ۱۰ به تفکیک مقطع تحصیلی (ارشد و دکتری) تفاوت معناداری وجود دارد؟

۴- آیا بین میزان دانش و آگاهی برنامه‌ریزی استراتژیک مدیران گروه‌های آموزشی دانشگاه‌های آزاد اسلامی منطقه ۱۰ به تفکیک جنسیت (زن و مرد) تفاوت معناداری وجود دارد؟

روش

این تحقیق با توجه به ماهیت و سوال‌های تحقیق، از نوع توصیفی-پیمایشی می‌باشد. جامعه آماری تحقیق، شامل کلیه مدیران گروه‌های آموزشی واحدهای دانشگاهی منطقه ۱۰ دانشگاه آزاد اسلامی است که جمعیت آماری آن ۱۲۸ نفر می‌باشد. برای برآورد حجم نمونه آماری از جدول مورگان و جرسی استفاده شده است. بر این اساس نمونه آماری در نظر گرفته شده برابر ۹۶ نفر می‌باشد. برای تعیین نمونه آماری از شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شده است که در جدول ذیل جامعه و نمونه آماری به تفکیک هر دانشگاه آورده شده است. بدین معنی که در ابتدا تعداد مدیر گروه هر یک از واحدهای دانشگاهی منطقه ۱۰ را در نظر گرفته و سپس متناسب با نسبت جامعه آماری هر دانشگاه، از کل جامعه آماری نمونه از هر دانشگاه تعیین می‌گردد. به عبارت دیگر حجم نمونه به نسبت حجم جامعه محاسبه شده است که در مجموع حجم نمونه ۷۵٪ کل جامعه آماری تعیین گردید.

برای جمع‌آوری داده‌های تحقیق در بخش نظری و میدانی از ابزارهای زیر استفاده شده است: الف) در بخش نظری تحقیق، جمع‌آوری داده‌ها از طریق روش کتابخانه‌ای با مطالعه اسناد و مدارک موجود و بررسی سایت و بانک‌های اطلاعاتی می‌باشد و از ابزار فیش و چک لیست استفاده شده است.

ب) در بخش میدانی برای جمع‌آوری داده‌های تحقیق از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است.

روایی و پایایی پرسشنامه نیز بر اساس ادبیات، پیشینه، اهداف و سؤال‌های تحقیق پرسشنامه‌ای با ۳۰ گویه در مقیاس لیکرت (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد) تنظیم گردید. برای تعیین روایی محتوایی از نظرات صاحب‌نظران و اساتید راهنما و مشاور استفاده شد. همچنین برای

اعتبار و پایایی، پرسشنامه در نمونه محدود به صورت آزمایشی اجرا شد که ضریب پایایی پرسشنامه بر اساس آلفای کرونباخ ۰/۹۵ بدست آمد.

تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق بر اساس شاخص آمار توصیفی و استنباطی انجام شده است. در بخش توصیفی، از جداول توزیع فراوانی داده‌ها و نمودارها و از شاخص‌های مرکزی (میانگین) و شاخص‌های پراکندگی (انحراف استاندارد و واریانس) برای توصیف داده‌های تحقیق استفاده شده است و در بخش استنباطی از آزمون آماری t استودنت برای تفاوت میانگین گروه‌ها و از آزمون F برای یکسانی واریانس گروه‌ها استفاده گردیده است. همچنین داده‌های جمع آوری شده حاصل از استخراج پرسشنامه و جواب‌های مربوط به آن با استفاده از روش مذکور با بهره‌گیری از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌ها

سوال اول: آیا بین میزان برخورداری از برنامه‌ریزی استراتژیک و مرتبه علمی مدیران گروه‌های آموزشی (مربیان و استادیاران) دانشگاه‌های آزاد اسلامی منطقه ۱۰ تفاوت معناداری وجود دارد؟
جدول ۱. آزمون من-ویننی برای مقایسه توزیع میزان دانش و اطلاعات برنامه‌ریزی استراتژیک در دو گروه مربی و استادیار

شاخص متغیر	مرتبه علمی	تعداد	میانگین رتبه	جمع رتبه	آزمون من ویننی		
					آماره u	آماره w ویلکاکسن	آماره z
دانش و اطلاعات برنامه‌ریزی استراتژیک	مربی	۶۸	۳۲۶۰	۹۱۴	۳۲۶۰	۳۰۷	
	استادیار	۲۸	۱۳۹۶	۹۱۴		۷۵۹	

در این سوال دانش و اطلاعات برنامه‌ریزی استراتژیک با توجه به مرتبه علمی مدیران گروه‌های آموزشی بر اساس آزمون u من ویننی مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به داده‌های جدول (۱) چون $Z = -۰.۳۰۷$ در سطح معناداری $\alpha = ۰.۰۵$ معنادار نیست لذا تفاوت معناداری بین میانگین دو گروه از لحاظ آماری وجود ندارد. به عبارت دیگر بین میزان برخورداری از برنامه‌ریزی استراتژیک و مرتبه علمی مدیران گروه‌های آموزشی (مربیان و استادیاران) دانشگاه‌های آزاد اسلامی منطقه ۱۰ تفاوت معناداری وجود ندارد.

سوال دوم: آیا بین میزان دانش و آگاهی برنامه‌ریزی استراتژیک مدیران گروه‌های آموزشی دانشگاه‌های آزاد اسلامی منطقه ۱۰ به تفکیک دانشکده‌ها (علوم انسانی، علوم پایه، فنی و مهندسی و کشاورزی) تفاوت معناداری وجود دارد؟

جدول ۲. میانگین و انحراف استاندارد متغیر دانش و آگاهی برنامه‌ریزی استراتژیک مدیران گروه به تفکیک دانشکده

دانشکده	تعداد	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
علوم انسانی	۲۶	۱۲۱.۴۶۱۵	۱۲.۶۴۰۳۵	۹۹	۱۴۴
علوم پایه	۲۸	۱۳۰.۶۴۲۹	۸.۰۱۴۸۷	۱۲۱	۱۴۷
فنی و مهندسی	۲۸	۱۲۱.۷۸۵۷	۲۴.۵۳۴۷۲	۴۸	۱۵۰
کشاورزی	۱۴	۱۱۴.۷۱۴۳	۱۵.۳۷۹۴۵	۸۹	۱۳۵
جمع	۹۶	۱۲۳.۲۵۰۰	۱۷.۰۹۱۰۹	۴۸	۱۵۰

جدول ۳. میانگین و انحراف استاندارد متغیر دانش و آگاهی برنامه‌ریزی استراتژیک مدیران گروه و دانشکده

تعداد	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
۹۶	۱۲۳.۲۵۰۰	۱۷.۰۹۱۰۹	۴۸	۱۵۰
۹۶	۲.۳۱۲۵	۱.۰۲۹۱۸	۱	۴

جدول ۴. نتایج آزمون خی دو جهت رتبه بندی میزان دانش و آگاهی برنامه‌ریزی استراتژیک مدیران گروه‌های آموزشی به تفکیک دانشکده‌ها

دانشکده	تعداد	میانگین
علوم انسانی	۲۶	۴۲.۰۴
علوم پایه	۲۸	۶۰.۸۶
فنی و مهندسی	۲۸	۵۰.۵۷
کشاورزی	۱۴	۳۱.۶۴
جمع	۹۶	۴۲.۰۴
خی دو		۱۲.۲۱۱
درجه آزادی		۳
سطح معناداری		۰.۰۰۷

سوال دوم تحقیق به بررسی وضعیت دانش و آگاهی برنامه‌ریزی استراتژیک مدیران گروه‌های آموزشی به تفکیک دانشکده می‌پردازد. به بیان دیگر به دنبال آن است که آیا بین دانش و آگاهی برنامه‌ریزی مدیران گروه‌های آموزشی و دانشکده‌های محل خدمت آنها تفاوت معنی داری وجود دارد؟ برای پاسخگویی و تحلیل سوال دوم از آزمون خی دو استفاده شده است. با توجه به داده‌های جدول فوق چون مقدار خی دو

بدست آمده ۱۲/۲۱۱ در سطح معناداری $\alpha=0/05$ معنادار است لذا تفاوت معناداری بین گروه‌ها از لحاظ آماری وجود دارد بنابراین فرض صفر رد و فرض تحقیق با ۹۵٪ اطمینان تایید می‌گردد. به عبارت دیگر بین میزان دانش و آگاهی برنامه‌ریزی استراتژیکی مدیران گروه‌های آموزشی دانشگاه‌های آزاد اسلامی منطقه ۱۰ به تفکیک دانشکده‌ها (علوم انسانی، علوم پایه، فنی و مهندسی و کشاورزی) تفاوت معناداری وجود دارد. برای بهتر روشن شدن نتایج به دست آمده و مشخص گردیدن تفاوت گروه‌ها از آزمون تعقیبی استفاده می‌کنیم. برای بررسی این سوال چون تعداد گروه‌ها با هم تفاوت دارد بهترین آزمون تعقیبی آزمون شفه می‌تواند باشد.

جدول ۵. نتایج آزمون تعقیبی شفه در مورد سوال دوم فرعی

سطح معناداری	انحراف معیار	اختلاف میانگین	J	I
.251	4.49466	-9.18132	علوم پایه	علوم انسانی
1.000	4.49466	-.32418	فنی و مهندسی	
.678	5.47073	6.74725	کشاورزی	
.251	4.49466	9.18132	علوم انسانی	علوم پایه
.265	4.41064	8.85714	فنی و مهندسی	
.039	5.40191	15.92857*	کشاورزی	
1.000	4.49466	.32418	علوم انسانی	فنی و مهندسی
.265	4.41064	-8.85714	علوم پایه	
.635	5.40191	7.07143	کشاورزی	
.678	5.47073	-6.74725	علوم انسانی	کشاورزی
.039	5.40191	-15.92857*	علوم پایه	
.635	5.40191	-7.07143	فنی و مهندسی	

نتایج آزمون تعقیبی شفه نشان می‌دهد که بین مدیران گروه‌های آموزشی دانشکده‌های علوم پایه و کشاورزی در سطح $\alpha=0/05$ تفاوت معناداری وجود دارد و میانگین نمرات مدیران گروه‌های آموزشی دانشکده علوم پایه بیشتر از مدیران گروه‌های آموزشی دانشکده کشاورزی می‌باشد. ولی بین میزان دانش و آگاهی از برنامه‌ریزی استراتژیکی مدیران گروه‌های آموزشی سایر دانشکده‌ها از نظر آماری تفاوت معناداری مشاهده نمی‌گردد.

سوال سوم: آیا بین میزان دانش و آگاهی برنامه‌ریزی استراتژیک مدیران گروه‌های آموزشی دانشگاه‌های آزاد اسلامی منطقه ۱۰ به تفکیک مقطع تحصیلی (ارشد و دکتری) تفاوت معناداری وجود دارد؟

جدول ۶. آزمون من- ویتنی برای مقایسه توزیع میزان دانش و اطلاعات برنامه‌ریزی استراتژیک در مقطع ارشد و دکتری

شاخص متغیر	مقطع	تعداد	میانگین رتبه	جمع رتبه	آزمون من ویتنی		
					آماره u من ویتنی	آماره w ویلکاکسن	آماره z
دانش و اطلاعات برنامه‌ریزی استراتژیک	ارشد	۶۴	۴۴.۴۷	۰۰.۲۸۴۶	۲۸۴۶	۰۰۷.۲-	
	دکتری	۳۲	۵۶.۵۶	۰۰.۱۸۱۰	۷۶۶		

سوال سوم تحقیق به مقایسه میزان دانش و اطلاعات برنامه‌ریزی استراتژیک مدیران گروه‌های آموزشی بر اساس مقاطع تحصیلی می‌پردازد که برای پاسخگویی و تحلیل داده‌ها از آزمون من ویتنی استفاده شده است. با توجه به داده‌های جدول (۵) چون مقدار $Z = -۲/۰۰۷$ در سطح معناداری $\alpha = ۰/۰۵$ معنادار است لذا تفاوت معناداری بین میانگین دو گروه از لحاظ آماری وجود دارد. به عبارت دیگر بین میزان دانش و آگاهی برنامه‌ریزی استراتژیک مدیران گروه‌های آموزشی دانشگاه‌های آزاد اسلامی منطقه ۱۰ به تفکیک مقطع تحصیلی (ارشد و دکتری) تفاوت معناداری وجود دارد. افراد با مدرک دکتری از میانگین بالاتری از افراد با مدرک ارشد برخوردارند.

سوال چهارم: آیا بین میزان دانش و آگاهی برنامه‌ریزی استراتژیک مدیران گروه‌های آموزشی دانشگاه‌های آزاد اسلامی منطقه ۱۰ به تفکیک جنسیت (مرد و زن) تفاوت معناداری وجود دارد؟

جدول ۷. آزمون من- ویتنی برای مقایسه توزیع میزان دانش و اطلاعات برنامه‌ریزی استراتژیک در گروه مردان و زنان

شاخص متغیر	جنسیت	تعداد	میانگین رتبه	جمع رتبه	آزمون u من ویتنی		
					آماره u من-ویتنی	آماره w ویلکاکسن	آماره z
دانش و اطلاعات برنامه‌ریزی استراتژیک	مرد	۶۶	۴۸.۷۴	۰۰.۳۲۱۷	۰۰۰.۱۴۳۹	۱۲۷-	
	زن	۳۰	۴۷.۹۷	۰۰.۱۴۳۹	۰۰۰.۹۷۴		

سوال چهارم تحقیق میزان دانش و اطلاعات برنامه‌ریزی استراتژیک مدیران گروه‌های آموزشی را به تفکیک جنسیت مورد بررسی قرار می‌دهد و برای تحلیل داده‌ها از آزمون من ویتنی استفاده

می‌کند. با توجه به داده‌های جدول (۶) چون $Z = -.۱۲۷$ در سطح معناداری $\alpha = ۰/۰۵$ معنادار نیست لذا تفاوت معناداری بین میانگین دو گروه از لحاظ آماری وجود ندارد. به عبارت دیگر بین میزان دانش و آگاهی برنامه‌ریزی استراتژیک مدیران گروه‌های آموزشی دانشگاه‌های آزاد اسلامی منطقه ۱۰ به تفکیک جنسیت (مرد و زن) تفاوت معناداری وجود ندارد.

سؤال اصلی: به چه میزان مدیران گروه‌های آموزشی دانشگاه‌های آزاد اسلامی منطقه ۱۰ از دانش و اطلاعات برنامه‌ریزی استراتژیک برخوردارند؟
قبل از ارائه نتایج حاصل از تحلیل سوالات پژوهشی لازم به ذکر است که ابتدا میانگین و انحراف معیار و نتایج استنباطی تک تک گویه‌های مربوط به دانش و اطلاعات برنامه‌ریزی استراتژیک مدیران گروه‌های آموزشی ارائه شده و سپس با استفاده از نمره کل این متغیر به سوال اصلی پاسخ داده می‌شود.

جدول ۸. نتایج آزمون t تک گروهی در مورد سوال اصلی پژوهشی

۹۰ Test value =			انحراف معیار	میانگین	تعداد	شاخص متغیر
sig	df	t				
۰۰۰	۹۵	۴۹۷.۶۵	۰۹۱۰۹.۱۷	۲۵۰۰.۱۲۳	۹۶	دانش و اطلاعات برنامه‌ریزی استراتژیک

در این سوال به بررسی وضعیت دانش و اطلاعات برنامه‌ریزی استراتژیک مدیران گروه‌های آموزشی پرداخته شده است و برای تحلیل داده‌ها از آزمون t تک گروهی استفاده گردیده است. با توجه به داده‌های جدول (۷) چون مقدار $t = ۶۵/۴۹۷$ در سطح معناداری $\alpha = ۰/۰۵$ معنادار است و با توجه به این که میانگین تجربی از میانگین نظری بزرگتر است، لذا می‌توان نتیجه گرفت که میزان برخورداری مدیران گروه‌های آموزشی دانشگاه‌های آزاد اسلامی منطقه ۱۰ از دانش و اطلاعات برنامه‌ریزی استراتژیک در حد بسیار بالا ارزیابی می‌گردد.

بحث و نتیجه گیری

برنامه‌ریزی یکی از مهمترین عوامل رشد و توسعه کشور می‌باشد. فرایند برنامه‌ریزی رایج و مرسوم در نظام‌های آموزشی، برنامه‌ریزی‌های عملیاتی و تاکتیکی را باید به سوی برنامه‌ریزی استراتژیک و هدفمند سوق داده تا توسعه جنبه‌های کمی و کیفی نظام آموزش عالی به موازات یکدیگر قرار گیرند. با توجه به مقولاتی از جمله بحران در منابع مالی، افزایش دانش آموختگان

بیکار و افزایش تقاضاهای اجتماعی و حتی مشکلات تصمیم گیری در قراردادهای بزرگ باید به این نکته اشاره کرد که با تغییرات جزئی نمی توان نظام آموزشی و حتی جاهای دیگر تحول ایجاد کرد. همچنین با توجه به آینده نظام های اجتماعی و اقتصادی و نقش و مسئولیت نظام آموزشی در پاسخگویی به نیازهای جامعه ضرورت برنامه ریزی استراتژیک در نظام آموزشی و شناخت و تسلط مدیران آموزشی نسبت به برنامه ریزی استراتژیک امری ضروری و اجتناب ناپذیر است (کافمن و هرمن، ۱۳۸۵).

جهت بهسازی های علمی مهم و قابل توجه و رسیدن به اهداف والای آموزش های عالی، ملزم به تدوین برنامه ریزی مطلوب در چارچوب زمان و منابع می باشیم (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۵). بر همین اساس برنامه ریزی در آموزش عالی و به تبع آن در دانشگاه ها باعث جهت دهی کار اعضای هیئت علمی و مدیران گروه ها بر اساس چشم انداز، پرهیز از فعالیت های تکراری و روزمره، ایجاد هماهنگی و همکاری بیشتر بین واحدها، شفاف سازی فعالیت ها برای تسهیل و تسریع فعالیت های آموزش و پژوهشی و توجه بیشتر اعضای هیئت علمی و مدیران گروه ها برای رسیدن به اهداف دانشگاه می شود (ملکی، ۱۳۸۶).

برنامه ریزی استراتژیک در دانشگاه های اروپایی و امریکایی از سابقه ای نسبتاً طولانی برخوردار است (یوسفی طرزجان، ۱۳۸۵) و در دانشگاه های ایران سابقه بسیار کمی دارد (شاهنوشی، ۱۳۸۴). رویکردهای استراتژیک در آموزش عالی، با ارتباط بین ماموریت، سازمان، اهداف و نیازهای توسعه منابع انسانی آغاز می شود و برای اینکه برنامه ریزی استراتژیک آموزش موفق باشد باید ماموریت سازمان، سیستم های منابع انسانی و فرهنگ سازمان را مورد توجه قرار دهد و مشارکت همه کارکنان سازمان را در جهت توسعه یک برنامه آموزشی جلب نماید. بنابراین پرداختن به مفهوم برنامه ریزی استراتژیک آموزشی از ابعاد گوناگون حائز اهمیت است (هداوند، ۱۳۸۴).

محققان و پژوهشگران مختلفی (سمیعی نصر، ۱۳۸۷؛ مشهدی کردی، ۱۳۸۷؛ عبدالکریمی، ۱۳۸۵؛ نصیری واحد، ۱۳۸۶؛ واعظی، ۱۳۸۶؛ احمدی، ۱۳۸۵؛ قهرمانی، ۱۳۸۴؛ عابدینی، ۱۳۸۲؛ عباس پور، ۱۳۸۱؛ جفری و همکارانش، ۲۰۰۷؛ وارننگ، ۲۰۰۷؛ پارکر، ۲۰۰۶؛ مارتینسنز و همکارانش، ۲۰۰۵؛ آلتن و همکارانش، ۲۰۰۴) ابعاد مختلف برنامه ریزی استراتژیک را در سازمانها و دانشگاه ها و مراکز آموزشی مورد بررسی قرار داده اند. نتایج این تحقیقات در یک نقطه وجه اشتراک دارد و

آن وجود مدیریت و برنامه‌ریزی با رویکرد استراتژیک برای رسیدن به اهداف می‌باشد. نتایج تحقیق حاضر نشان داد که بین میزان برخورداری از تفکر استراتژیک و مرتبه علمی مدیران گروه‌های آموزشی (مربیان و استادیاران) و بین میزان دانش و آگاهی از برنامه‌ریزی استراتژیک مدیران گروه‌های آموزشی به تفکیک جنسیت (مرد و زن) دانشگاه‌های آزاد اسلامی منطقه ۱۰ تفاوت معناداری وجود ندارد. اما بین میزان دانش و آگاهی برنامه‌ریزی استراتژیکی مدیران گروه‌های آموزشی به تفکیک دانشکده‌ها (علوم انسانی، علوم پایه، فنی و مهندسی و کشاورزی) و همچنین بین میزان دانش و آگاهی از برنامه‌ریزی استراتژیک مدیران گروه‌های آموزشی به تفکیک مقطع تحصیلی (ارشد و دکتری) دانشگاه‌های آزاد اسلامی منطقه ۱۰ تفاوت معناداری وجود دارد و میزان برخورداری مدیران گروه‌های آموزشی دانشگاه‌های آزاد اسلامی منطقه ۱۰ از دانش و اطلاعات برنامه‌ریزی استراتژیک در حد بسیار بالا ارزیابی گردید. نتایج این تحقیق نیز با نتایج تحقیقات سمعی نصر (۱۳۸۷)، مشهدی کردی (۱۳۸۷)، قهرمانی (۱۳۸۷)، عابدینی (۱۳۸۲)، جفیری و همکارانش (۲۰۰۷)، وارنینگ (۲۰۰۷)، پارکر (۲۰۰۶)، آلتن و همکاران (۲۰۰۴) همسو می‌باشد.

منابع

- احمدی، علیرضا. (۱۳۸۵). **پیاده سازی تفکر استراتژیک در مدیریت زنجیره تأمین**. قابل دسترسی در (<http://www.civilica.com>).
- دانشگاه آزاد اسلامی منطقه ۱۰. (۱۳۸۸). **نشست روسا و معاونین آموزشی**. گرگان.
- سمعی نصر، محمود. (۱۳۸۷). **تفکر استراتژیک و بهره‌برداری از فرصت‌ها**. قابل دسترسی در (<http://www.tabnak.ir>).
- شاهنوشی، فریدون. (۱۳۸۴). **برنامه‌ریزی استراتژیک به منظور تحقق اهداف آموزشی دانشگاه یزد**. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه یزد. دانشکده صنایع.
- عابدینی، زهرا. (۱۳۸۲). **آگاهی و نگرش مدیران دانشگاه علوم پزشکی ایران نسبت به تدوین و کاربرد برنامه استراتژیک**. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی ایران. دانشکده مدیریت و اطلاع‌رسانی پزشکی.

- عباس پور، عباس. (۱۳۸۱). **مقایسه کارکردهای مدیریت منابع انسانی دانشگاه تهران با آخرین کارکردهای مدیریت استراتژیک منابع انسانی و طراحی و تبیین مدل فرایند بهینه برای آن**. پایان نامه دکتری. دانشگاه تهران. دانشکده مدیریت.
- عبدالکریمی، مهوش. (۱۳۸۷). **مدیریت دانش-فن آوری- خلاقیت و نقش آن‌ها در بهبود کارایی**. قابل دسترسی در (<http://www.hamayeshpouya.com>).
- عسگری، مرتضی. و محسنی نیا، محمد جواد. (۱۳۷۳). **تحول شاخص‌های مالی آموزش و پرورش ایران**. دفتر بودجه وزارت آموزش و پرورش.
- فتحی واجارگاه، کورش. (۱۳۸۵). **برنامه‌ریزی درسی و تدوین طرح درس در آموزش عالی**. چاپ اول. تهران: موسسه کورش چاپ.
- قهرمانی، محمد. (۱۳۸۴). **تدوین الگوی مدیریت استراتژیک آموزش عالی ایران**. پایان نامه دکتری مدیریت آموزشی. دانشگاه تربیت معلم. دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی.
- کافمن، راجر. و هرمن، جری. (۱۳۸۵). **برنامه‌ریزی استراتژیک در نظام آموزشی**. (ترجمه فریده مشایخ و عباس بازرگان). چاپ سوم. تهران: انتشارات مدرسه.
- مشهدی کردی، بهزاد. (۱۳۸۷). **تفکر استراتژیک زمینه ساز نوآوری**. قابل دسترسی در (<http://www.infosanat.com>).
- ملکی، صفی الله. (۵ اسفند ۱۳۸۶). **ضرورت برنامه‌ریزی در نظام آموزش و پرورش**. روزنامه رسالت. ص ۶.
- نصیری واحد، ناهید. (آبان ۱۳۸۶). **ارتباط استراتژیک موثر بر نوآوری سازمانی**. **ماهنامه تدبیر**. شماره ۱۸۶.
- واعظی، غلامحسین. (۱۳۸۶). **انتخاب آمیخته راهکارهای مناسب و استراتژی‌ها در بقا و توسعه دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان با استفاده از تکنیک AHP، فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی**، شماره ۲. هداوند، سعید. (۱۳۸۴). **رویکرد استراتژیک به فرآیند برنامه ریزی آموزشی**. **ماهنامه تدبیر**. شماره ۱۶۲.
- یوسفی طرزجان، مصطفی. (۱۳۸۵). **نرم افزار راهنمای برنامه‌ریزی راهبردی دانشگاه‌ها**. تهران: موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- Alton, L. Limy, John. And Cage, mark. (2004). **“Strategic planning approaches used to respond to issues confronting research universities”**. (www.springerlink.com).

- Jeffrey, Allen. Donald, john, And darter, Michael. (2007). **"Strategic Thinking and knowledge management in American organizations"**. (<http://www.emeraldinsight.com>).
- Martinsons, maris. Davison, Robert. And Tse, Dennis. (2005). **"The balanced scorecard: A foundation for the strategic management of information systems"**. (www.springerlink.com).
- Parker, Leen. (2006). **"A strategic analysis and critique of university change management"**. Adelaide University. Astralia. (www.springerlink.com).
- Warning, Susanne. (2007). **"Performance differences of higher education in German universities: empirical analysis of strategic group"**. (www.springerlink.com).

